

دکتر فردوس آقا گل زاده (دانشیار زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (استادیار زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس)

افتخار سادات هاشمی (کارشناس ارشد زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس)

شناسایی و توصیف گفتارهای قالبی شده زبان فارسی بر پایه نقش

عوامل جامعه شناختی زبان

چکیده

زبان قالبی شده^۱ اصطلاحی است که در بعضی از مطالعات توصیفی و نظری دستور، در مورد پاره گفت‌هایی^۲ به کار می‌رود که در داشتن ویژگی‌های معمول نحوی و صرفی با دیگر ساخت‌های زبانی متفاوت‌اند و آنگاه که به کلام^۳ اعمال می‌شود استفاده از صورتی ثابت از کلمات را به ذهن متبادر می‌کند که برای بر آوردن مقصودی رایج به کار گرفته می‌شود. روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و روش گرد آوری داده‌ها به صورت میدانی است. در این پژوهش، صد گفتار قالبی شده که بسامد کاربردی بالایی در گفتگوی روزانه فارسی‌زبانان دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. دو پرسشنامه که هر یک حاوی پنجاه ساخت قالبی و پرسش‌هایی در مورد استفاده و یا عدم استفاده از ساخت‌ها بود در میان دویست نفر فارسی‌زبان که در سه گروه آزمودنی با مشخصه‌های جامعه‌شناسی زبان از قبیل سن، جنس و میزان تحصیلات قرار داشتند، توزیع شد. با شناسایی و توصیف ساخت‌های قالبی شده مشخص شده که پاره گفت‌های قالبی شده در نوع و قالب ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی در زبان فارسی ظاهر می‌شوند. با تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها در می‌یابیم اختلاف آشکار و چشمگیری میان میزان فراوانی کاربرد برخی از ساخت‌های قالبی شده مورد بررسی در بین گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی مشاهده می‌شود و در مورد برخی دیگر اختلاف، قابل توجه نیست.

کلیدواژه‌ها: گفتارهای قالبی شده، ضرب‌المثل، اصطلاح، عبارت مقدماتی، جامعه‌شناسی.

1. Formulaic language

2. Utterances

3. discourse

۱- مقدمه

گفتار قالبی شده ساخت‌های فسیل شده‌ای است که غالباً در شرایط خاص و محدود اجتماعی به کار می‌روند (کریستال، 2003: 187). شناخت صریح این گونه ساخت‌ها و سپس کاربرد مناسب آنها در ارتباط با بافت و موقعیت ارتباطی تأثیر بسزایی در برقراری ارتباط موفق دارد. فراگیران زبان دوم برای یادگیری این گونه ساخت‌ها با دو مشکل مواجه‌اند: نخست، شناخت صحیح. سریع این گونه ساخت‌ها و سپس کاربرد مناسب آنها در ارتباط با بافت و موقعیت ارتباطی آنهاست؛ چرا که این دسته از ساخت‌های زبانی عموماً در زبان گفتار (در ارتباط کلامی) کاربرد بیشتری دارند، همین امر سبب بروز اختلالاتی در برقراری ارتباط برای فراگیران زبان دوم می‌شود. دیگر آنکه حتی آشنایی با این دسته ساخت‌های زبانی، تضمینی برای کاربرد صحیح و مناسب آنها نیست، چرا که فاکتورهای دیگری، مانند عوامل جامعه‌شناسی زبان و یا شاخص‌های تحلیل گفتمان در انتخاب مناسب و کاربرد به جای آنها نیز موثر هستند. زبان فارسی نیز مانند سایر زبان‌ها دارای این دسته از ساخت‌های قالبی شده است لذا شناخت و کاربرد مناسب آنها برای فراگیران غیر فارسی زبان از ضرورت و اهمیت بسیاری برخوردار است. این تحقیق به دنبال پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

1- انواع پاره‌گفت‌های قالبی شده کدامند؟

2- عوامل یا متغیرهای تعیین‌کننده بر کاربرد آنها کدامند؟

فرضیه‌های تحقیق نیز عبارتند از:

1- این پاره‌گفت‌ها در نوع یا قالب ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی در زبان

فارسی ظاهر می‌شوند.

2- عوامل جامعه‌شناسی زبان از قبیل سن، جنسیت و میزان تحصیلات از عوامل موثر

در گزینش و کاربرد ساخت‌های قالبی شده در فارسی هستند.

۲- سابقه و ضرورت تحقیق

در زمینه گفتارهای قالبی شده در زبان فارسی تنها چند مقاله و یک فرهنگ کنایات به این حوزه پرداخته اند و فقط دو مقاله این پدیده را با عنوان زبان شناختی گفتار قالبی شده بررسی کرده اند. یکی مقاله ورتینکوف، با عنوان «برخی ساخت‌های نحوی قالبی شده در زبان فارسی» که تنها به بررسی تعداد بسیار محدودی از ساخت‌های قالبی شده و فقط از دیدگاه نحو پرداخته است. دیگری مقاله باغینی پور (1379)، با عنوان «گفتار قالبی و کاربرد خلاقانه آن» این مقاله بیشتر بر مباحث نظری و تعاریف ساخت‌های قالبی و سخن، سخن کاوی و سخن نماها تمرکز کرده است. سایر فرهنگ‌های لغات در میان سایر مداخل واژگانی نمونه‌هایی از ساخت‌های قالبی نیز آورده شده است. همین امر ضرورت شناسایی و تعریف گفتارهای قالبی زبان فارسی و همچنین بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد آنها را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۳- روش گردآوری داده‌ها و انجام تحقیق

روش تحقیق از نوع اسنادی و توصیفی است و جهت جمع‌آوری داده‌ها از شیوه میدانی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. بخش کتابخانه‌ای آن اختصاص به بررسی آثار مرتبط انجام شده دارد و بخش میدانی آن با تهیه دو نوع پرسشنامه حاوی ساخت‌های قالبی شده در فارسی انجام خواهد شد. ابتدا یک گروه 32 نفره متشکل از شانزده نفر زن و شانزده نفر مرد بین سنین 20-35 و 35-50 با تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالا تر انتخاب شدند و پس از توضیح مفهوم گفتار قالبی شده و ضرورت انجام تحقیق برای هر یک، از آنها خواسته شد تا ظرف مدت پانزده روز، بیست گفتار قالبی شده را که در گفتار و تعاملات روزانه خود از آنها استفاده می‌کنند بر روی فرم‌هایی که قبلاً تهیه شده و در اختیار آنها قرار گرفته بود ثبت کنند. هر یک از این فرم‌ها دارای سه ستون (گفتار قالبی شده، موقعیت کاربردی متداول، موقعیت کاربردی جدید) و بیست ردیف بود. پس از پایان فرصت داده شده نزدیک به پانصد گفتار قالبی شده در زبان فارسی جمع‌آوری شد که پس از بررسی داده‌ها، با

حذف ضرب المثل‌ها و اصطلاحات رایج در میان صنوف خاص اجتماعی که دارای کاربرد بالا میان مردم در مکالمات روزمره نبودند و همچنین بعضی از اصطلاحات قالبی شده تکراری، مجموعاً 250 عبارت قالبی شده انتخاب شدند. سپس از این میان صد ساخت قالبی شده که نسبت به سایرین بیشترین بسامد را داشته‌اند، انتخاب شدند و در دو پرسشنامه که هر پرسشنامه شامل هفت ستون که شامل سوالات بودند و هر ستون خود شامل سه یا چهار زیر ستون که پاسخهای احتمالی هر سوال را در برداشت، و پنجاه ردیف که در هر کدام یک ساخت قالبی شده ثبت شده بود، تهیه و تنظیم شد. علت تنظیم دو پرسشنامه پرهیز از عوامل خستگی و کم حوصلگی پرسش‌شوندگان بود. در مرحله بعد پرسشنامه‌ها میان 200 نفر - 100 نفر زن و 100 نفر مرد با دو محدوده سنی 20-35 و 35-50 با تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالا تر در میان فارسی‌زبانانی که به زبان معیار فارسی سخن می‌گویند، توزیع شد. لازم به ذکر است که توزیع پرسشنامه‌ها با هر یک از شاخصه‌های ذکر شده در بالا به طور کاملاً مساوی 25 نفر - یعنی هشت گروه بیست پنج نفره - انجام شده است. در مرحله آخر با کمک یک مشاور آماری داده‌های پرسشنامه‌ها به شیوه آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل شد و نمودارهای نتایج به دست آمده ترسیم گردید که در پایان مقاله آمده است. سایر اطلاعات و تحلیل‌های ارائه شده در زمینه شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی موثر در کاربرد ساخت‌های قالبی شده به شیوه کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی حاصل شده است.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های جمع‌آوری شده از زبان فارسی در حوزه گفتار قالبی مورد بررسی، و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت که شامل دو زیر بخش می‌باشد که هر یک به بررسی و آزمون یکی از فرضیه‌ها و پاسخ به سوالات تحقیق می‌پردازد. به منظور رعایت حجم مقاله و پرهیز از تکرار و ارائه تحلیل‌های بیشتر از آوردن فهرست صد ساخت قالبی فارسی مورد

بررسی صرف نظر می کنیم و خوانندگان گرامی را برای آگاهی از محتویات این فهرست به نمودارهای موجود در این مقاله ارجاع می دهیم.¹

۱-۴: انواع پاره گفت های قالبی شده

"انواع پاره گفت های قالبی شده کدامند؟" نخستین سوال این تحقیق است که در پاسخ به آن فرضیه زیر مطرح شده است: "این پاره گفت ها در نوع یا قالب ضرب المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی در زبان فارسی ظاهر می شوند." در تأیید یا رد این فرضیه نخست می بایست تعاریف «ضرب المثل» «اصطلاح» و «عبارت مقدماتی» را در فرهنگ های معتبر فارسی و انگلیسی جستجو کرد.

با توجه به تعاریفی که از "ضرب المثل"، اصطلاح" و عبارت مقدماتی در فرهنگ لغات فارسی دهخدا و معین و فرهنگ های انگلیسی وبستر (2003)، آکسفورد (2006) و فرهنگ آواشناسی و زبان شناسی کریستال (2003) برای (ضرب المثل) و (اصطلاح)، ارائه شد، می توان چنین جمع بندی کرد که «ضرب المثل» جمله یا عبارتی معروف و شناخته شده است که حاوی پند و پیام اخلاقی است و دارای پیشینه تاریخی است. مانند ضرب المثل های فارسی چون: "قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود". "بار کج به منزل نمی رسد" و "حسنی به مکتب نمی رفت وقتی می رفت جمعه می رفت" ... «اصطلاح»، یک گروه از واژگان که دارای دستور، ساخت و ترتیب واژه خاصی است و معنای گروه از معنای تک تک واژگان آن قابل دریافت نمی باشد. مانند: "از خجالت آب شدن"؛ "دمت گرم" "دست شما درد نکنه" و...

«عبارت مقدماتی / سخن گشایی» معادل واژه (Phatic) در نظر گرفته شده است. چراکه به نوعی هم از جنس تعارفات روزمره هستند و هم در مواردی برای آغاز سخن و ارتباط در

1- برای آگاهی از معنای متداول و جدید هریک از این ساخت های مورد بررسی می توانید به "بررسی ساخت گفتارهای قالبی شده زبان فارسی در چهارچوب نقش گرای هلیدی" پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس (1388) مراجعه کنید.

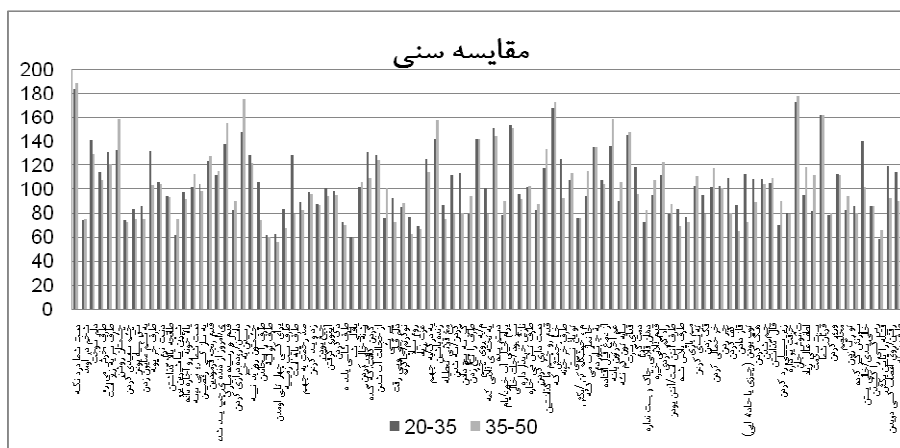
موقعیت‌های مختلف میان افراد بکار برده می‌شوند. مانند: "چه خبر؟!"; "چقدر گرمه!"; "چقدر شلوغه" و... در نتیجه این گونه پاره گفت‌ها در زمره ضرب‌المثل و اصطلاح نیستند به همین خاطر در این تحقیق از عبارت عام‌تر "عبارات مقدماتی" بهره گرفته شده است. هرچند می‌توان به صراحت اذعان کرد که مرز واضح و مشخصی میان عبارات مقدماتی و اصطلاح وجود ندارد زیرا در بسیاری از موارد این دو با یکدیگر همپوشی دارند.

با تمام تعاریف و توضیحاتی که در بالا ذکر شد می‌توان گفت که پاره‌گفت‌های قالبی شده از نوع ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارت مقدماتی هستند، زیرا ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارت مقدماتی همه دارای ساخت دستوری منضبط و ثابتی هستند، گرچه در بعضی از این قبیل ساخت‌ها ضمائر شخصی مناسب با مخاطب قابل تغییر است. از همین رو آن‌ها را ساخت‌های قالبی شده می‌نامند.

۲-۴ تأثیر عوامل جامعه‌شناسی زبان: سن، جنس و تحصیلات در کاربرد ساخت‌های قالبی شده

۱-۲-۴ سن

نخستین عامل مؤثر بر گزینش ساخت‌های قالبی مطرح شده در این تحقیق، عامل سن است. بدین منظور پرسش‌شونده‌ها به دو گروه سنی بیست تا سی و پنج سال و سی و پنج تا پنجاه سال تقسیم شدند.



نمودار (۴-۱) مقایسه کاربرد ساخت‌های قالبی شده بر اساس سن پرسش شونده‌گان

با بررسی و تحلیل پاسخ‌های داده شده به سؤالات پرسش‌نامه‌ها تفاوت و اختلاف بارزی میان میزان کاربرد این دو گروه سنی مشاهده نشد، اما برخی از ساخت‌های قالبی شده متأثر از این عامل جامعه‌شناختی می‌باشند مانند پنج ساخت قالبی شده «طرف پایه است»، «چیزی یا حادثه‌ای توپ بودن»، «خالی بستن»، «طرف خر خونه»، «گیر سه پیچ دادن» همان‌طور که در نمودار (4-1) مشاهده می‌شود اختلاف کاربرد از 49 تا 40 امتیاز بین دو گروه سنی وجود دارد که این میزان اختلاف بیشترین نوسان را در نمودار نشان می‌دهد. برخی از آن‌ها در میان گروه سنی جوان‌تر کاربرد بیشتری دارد و برخی دیگر در میان گروه سنی دوم.

«طرف پایه است» ساخت قالبی شده‌ای است که بیشترین اختلاف امتیاز را در دو گروه سنی دارد و بیشترین کاربرد را در میان افراد بیست تا سی و پنج سال دارد. پایه بودن استعاره از ستون و رکن اصلی برای هرکار یا حالتی است، درست همانگونه که پایه هر چیز مانند «میز» رکن اصلی برای سطح فلزی یا چوبی است. عبارت «توپ بودن» که از لحاظ معنایی ترجمه‌ای لفظ به لفظ از اصطلاح انگلیسی *Be at the top of the list*، به معنی «اول همه بودن»، در

صدر بودن^۱ می باشد که واژه top به جای تلفظ بومی آن به صورت /tɒp/ (تاپ) می باشد به صورت خوانشی بر اساس املاي کلمه برای فارسی زبانان به صورت /tup/ در زبان فارسی در آمده است. عبارت «خالی بستن» که به معنای «دروغ گفتن و استفاده از بستن و منعقد کردن کلام بدون محتوا و صحت است» در فرهنگ کنایات سخن (انوری، 480:82) نیز آمده است. در حالیکه در سایر فرهنگ ها و مجموعه عبارات و اصطلاحات عامیانه مانند فرهنگ لغات عامیانه جمال زاده (1341)، فرهنگ فارسی عامیانه نجفی (1378) و فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی بهمن دهگان (1283) به آن اشاره ای نشده است و همین امر دلیلی بر جدید بودن این عبارات و به طبع استفاده زیاد آن در گروه سنی جوان تر یعنی بیست تا سی و پنج سال را به همراه دارد.

واژه «خر» در فرهنگ فارسی دهخدا به معنی «حیوانی است که آن را به عربی حمار اهلی گویند» و در فرهنگ معین این واژه که در عبارات قالبی شده بسیاری مانند «خر خون»، «خر حمالی»، «خر پول»، «خرش میره» و... به کار رفته است. در حقیقت برای برقراری اصل همکاری در گفتگو از تضمن مکالمه ای^۲ - معنی اضافی اما بیان نشده ای که بایستی مفروض گردد (توانگر، 58:1381) - استفاده شده است و به این معنی که واژه «خر» نه تنها دارای معنای «بسیار و زیاد» است بلکه بار معنایی منفی واژه «خر» به معنای «نادانی و حماقت» را نیز تداعی می کند. عبارت قالبی شده «طرف خر خونه» در بین گروه سنی بیست تا سی و پنج سال کاربرد بالایی دارد که با توجه به معنی این اصطلاح «کسی که بسیار درس می خواند» دلیل بر تقارن سنی این گروه با سن تحصیل است و کاربرد بالای آن در گفتگوی روزانه گروه سنی پایین تر توجیه پذیر است.

عبارت قالبی «گیر سه پیچ دادن» به معنای «اصرار بسیار کردن» در فرهنگ کنایات سخن با همین معنا وجود دارد. در فرهنگ فارسی عامیانه نجفی (1378) قالبی شده «گیر دادن» وجود

1- فرهنگ معاصر هزاره- انگلیسی- فارسی- حق شناس- سامعی- انتخابی، (1797:1381)

2. Conversational implicative

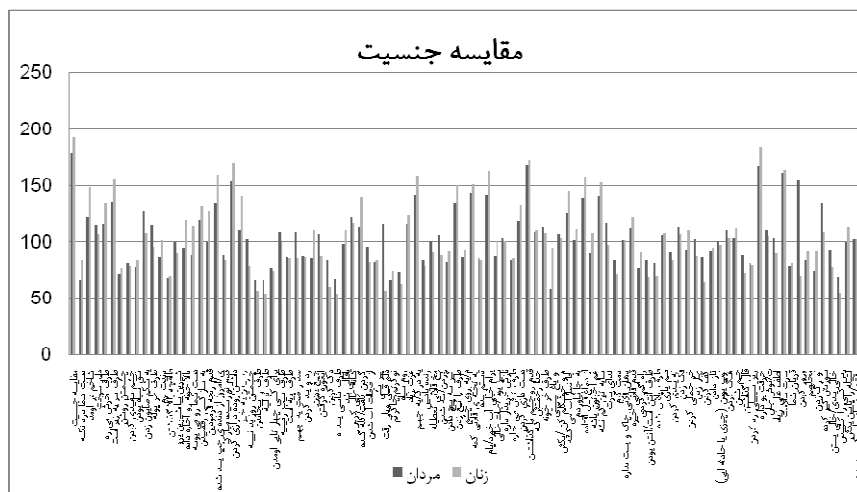
دارد اما در فرهنگ لغات عامیانه جمال زاده (1341) تنها واژه «گیر» به معنای «مشکل» دیده می شود. این امر خود دلیلی بر جدید الخلق بودن این عبارت است در نتیجه کاربرد آن در میان گروه سنی جوانتر توجیه پذیر است.

۲-۶-۴ جنسیت

جنسیت به صفات فیزیکی که بر حسب آن مردان و زنان با یکدیگر تفاوت دارند محدود نمی گردد، بلکه به ویژگی های اجتماعی رفتار مردانه و زنانه نیز مربوط می شود. (پیتن، 1989:4) به این ترتیب تفاوت بین دو جنسیت تفاوتی است که در جریان آموزش و تربیت ایجاد شده و ریشه فرهنگی دارد و نه بیولوژیکی. جنسیت^۱ مانند جنس دستوری،^۲ توجه بر این امر دارد که ما با یک پدیده فرهنگی سر و کار داریم تا یک پدیده صرفاً طبیعی (کامرون، کولیک، 2004:1؛ گودارد، پترسون، 2001:1). جنسیت از تاثیرگذارترین عوامل اجتماعی بر کاربرد و تعبیر زبانی شناخته شده است (ویترال، 2002:27).

در هر فرهنگی تفاوت هایی میان شیوه بیان و باید و نباید های کلامی بین زن و مرد و یا آنکه چگونه باید صحبت کنند وجود دارد، زیرا زبان شکلی از رفتار است. کتاب های بسیاری در مورد معیارها و برچسب های مناسب رفتاری برای زنان و مردان نگاشته شده است. شاید بهتر باشد بگوییم که بیشتر این کتاب ها در مورد رفتار زنان (جنس مؤنث) نوشته شده است، چراکه رفتار جنس مذکر از گذشته به عنوان هنجار شناخته شده و نیازی به توصیه و یا توجه خاص ندارد. جنسیت، دومین عامل مؤثر در گزینش و کاربرد گفتارهای قالبی شده در فرضیه این تحقیق است.

1. Sexuality
2. Gender



نمودار (۲-۴) مقایسه کاربرد ساخت‌های قالبی شده بر اساس جنسیت پرسش‌شوندگان

تفاوت‌ها و اختلافات معناداری که در گزینش و کاربرد ساخت‌های قالبی در میان زنان و مردان وجود دارد را می‌توان در پنج ساخت زیر که بیشترین اختلاف را نشان می‌دهند مورد بررسی قرار داد.

گفتار قالبی «مخلصتم» با امتیاز به کارگیری 69 در میان زنان و 154 در مردان بیشترین تفاوت در به کارگیری و استفاده در میان زنان و مردان است. پس از آن بالاترین تفاوت کاربری میان زنان و مردان را ساخت‌های قالبی چاکرتم/نوکرتم به خود اختصاص داده‌اند.

در کتاب‌های «آداب معاشرت»^۱ زنان را از کاربرد اصطلاحات عامیانه و کوچه‌بازاری^۲ نهی می‌کردند. در کتاب فرهنگ عامیانه آمریکایی^۳ (1975) آمده است: «مردها از اصطلاحات عوامانه و کوچه‌بازاری استفاده می‌کنند که مؤدبانه و معیار نیستند» و تأکید می‌کند که

1. Etiquette
2. slang
3. American slang dictionary

بیشترین کلمات و اصطلاحات عوامانه برای مردان است و توسط آن‌ها خلق می‌شود و دلیل خلق آن‌ها را نیز چنین عنوان می‌کند: «مردان تمایلی برای سخن گفتن مانند زنان و استفاده از واژگان و اصطلاحات ضعیف ندارند» (گودارد، 2001 : 92).

در تأیید این مدعا شاهد آن هستیم که گروه مردان با تحصیلات کارشناسی و بالاتر کمتر از مردان با سطح سواد دیپلم و زیر دیپلم از عبارت قالبی «چاکرتم/نوکرتم» استفاده می‌کنند و این همان وجود قیود و شرط‌های رعایت آداب کلامی با توجه به میزان و سطح سواد و تحصیلات افراد اعم از زن یا مرد است.

«بکش و خوشگلم کن» بند قالبی شده‌ای است که با اختلاف 36 امتیاز در میان زنان بسامد کاربردی بالایی دارد. از نظر پیتتن (1989: 70-67) یکی از تکنیک‌های دستوری که در زبان‌ها برای نشان دادن جنسیت به کار می‌رود استفاده از صفات است. برای مثال در زبان انگلیسی صفات «pretty»، «charming» بیشتر برای زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد و در مقابل صفاتی چون «strong»، «tough» برای مردان به کار برده می‌شود. این سخن در مورد زبان فارسی نیز صادق است. صفاتی چون «زیبا» و «خوشگل» بیشتر برای زنان به کار می‌رود. وجود این صفت در ساخت قالبی «بکش و خوشگلم کن» دلیلی برای گستردگی دامنه کاربرد آن و گفتگو در میان زنان است. هرچند به این نکته نیز توجه داریم که بند مورد بررسی یک بند قالبی شده است و ویژگی این گونه ساخت‌ها وجود ترتیب نحوی و معنایی ثابت و منضبط است و شاید همین امر سبب شده است که در رده سوم با اختلاف امتیاز 36 در میان گفتارهای قالبی با بیشترین تفاوت به کارگیری میان زنان و مردان قرار بگیرد.

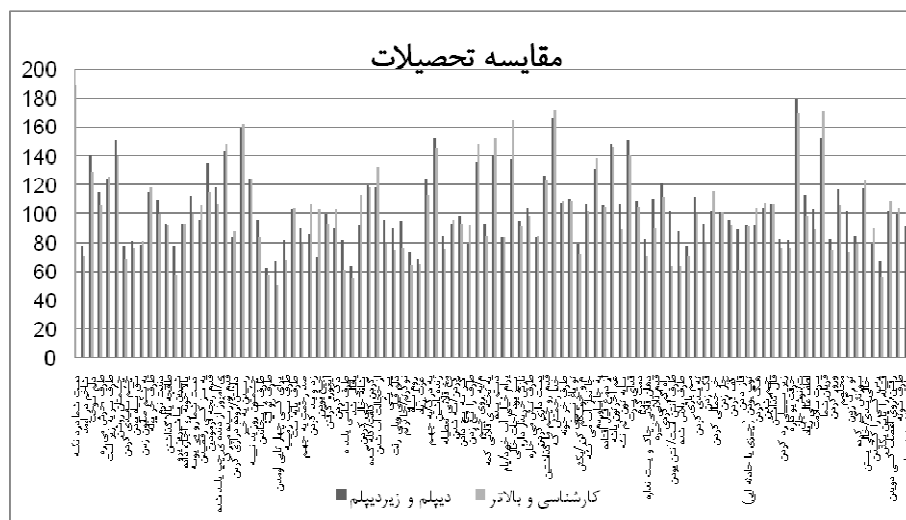
«چشم‌تون روز بد نبینه»، «امروز از دنده چپ بلند شده‌ای»، با اختلاف امتیاز 31 و 26 بعد از ساخت‌های قالبی بالا در مقایسه میان زنان و مردان قرار می‌گیرند. علت بالا بودن بسامد کاربردی این گفتارهای قالبی شده در میان زنان را باید در تئوری اصلی قطبی کردن نظریه جنس و زبان جستجو کرد. این نظریه متأثر از دو رویکرد است: اولی، رویکرد قدرت است که زبان زنان را پیامد جایگاه کم قدرت آن‌ها در مقایسه با مردان در جامعه می‌داند و دومین

رویکرد، فرهنگی است که گفتار زن و مرد را تنظیم و تعادلی برای مجموعه ای از ارزش های فرهنگی می داند. (ویترال، 2002:55؛ لیکاف، 1973:47) معتقد است که زنان به گونه ای اجتماعی می شوند که از مختصه های زبان شناختی که متضمن احتمال، احترام، تسلیم و ضعف قدرتی است، استفاده کنند. زیرا زنان جایگاه اجتماعی ضعیف و حاشیه ای دارند. در نتیجه شیوه ای که انتظار می رود زنان صحبت کنند انعکاس مستقیمی از جایگاه دوم (وابسته) زن در جامعه باشد.

استفاده از گفتار قالبی «امروز از دنده چپ بلند شده ای؟!» به معنای "امروز رفتار خوب و معقولی نداری"، اگر به صورت مستقیم و صریح بیان شوند دارای معنای تند و معترضانه می باشد و گوینده با استفاده از این ساخت قالبی تلاش در حفظ وجهه سلبی مشارک در گفتگو و بیان غیر مستقیم منظور و مفهوم مورد نظر خود به منظور رعایت احترام در گفتگو را دارد. در مجموع می توان چنین نتیجه گیری کرد که اگرچه تفاوت هایی در گستره کاربردی بعضی از صد گفتار قالبی شده مورد بررسی این تحقیق وجود دارد، اما این اختلاف و تفاوت آن چنان مشهود و بارز نیست نمودار (2-4).

۳-۶-۴ تحصیلات

آخرین عامل معرفی شده مؤثر در گزینش و کاربرد گفتارهای قالبی شده، میزان تحصیلات افراد بوده است. پرسش شونده ها به دو گروه تحصیلی زیر دیپلم و دیپلم، کارشناسی و بالاتر تقسیم شدند و مورد پرسش قرار گرفتند و نتایج داده ها در نمودار ذیر ارائه گردیده است.



نمودار (3-4) مقایسه کاربرد ساخت‌های قالبی شده بر اساس میزان تحصیلات پرسش شونده‌گان

هرچند تفاوت و اختلاف مشاهده شده در نمودار (3-4) که میزان به کارگیری این دو گروه را از ساخت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، در بسیاری از این ساخت‌ها ناچیز و اندک هستند، اما مواردی نیز مشاهده می‌شود که اختلاف 21 تا 38 امتیازی وجود دارد که قابل بررسی و تحلیل است. بیشترین اختلاف امتیاز را در گفتار قالبی شده «طرف آنتن است» با امتیاز استفاده 64 در گروه تحصیلی دیپلم و کمتر و امتیاز 102 در گروه تحصیلی کارشناسی و بالاتر است که می‌توان در نمودار (3-4) مشاهده کرد. این عبارت که یک ساخت استعاری از مفهوم «آنتن» به معنای گیرنده و فرستنده سیگنال هاست و بست و جان‌شینی معنایی آن برای انسان به معنای کسی که اخبار و اطلاعات را دریافت و تکثیر و منتشر می‌کند-خبرچین-می‌باشد. این عبارت دارای آن چنان ساخت معنایی است که غالب به کارگیرندگان آن می‌بایست با مفهوم و نوع کار و استفاده ابزاری به نام «آنتن» مطلع باشند که این آگاهی غالباً در افرادی با سطوح تحصیلی بالاتر از دیپلم حاصل می‌شود، در نتیجه استفاده بیشتر از آن در گروه تحصیلی کارشناسی و بالاتر قابل توجیه است. زیرا میزان تحصیلات با میزان نوگرایی فرد

رابطه دارد. افزایش تحصیلات، فرد را در ارتباط با جهان جدید، کشفیات، اختراعات، نوآوری‌ها، اخبار و اطلاعات و نگرش‌های جدید قرار می‌دهد. (روزی بیگدلی، 3:1386) شایان ذکر است که این گروه افراد از این ساخت در موقعیت‌های دوستانه بیشتر استفاده می‌کنند.

«جیغ بودن» رتبه دوم در اختلاف کاربردی در میان افراد با تحصیلات کارشناسی و بالاتر و به ویژه در میان زنان با همین تحصیلات را داراست. این عبارت اسمی که یک مفهوم استعاری از واژه «جیغ»، به معنای «صدای زیر و بلند از ته حنجره» که معمولاً به دلیل زیر بودن فیزیک صوت برای زنان به کار می‌رود و رسایی بالاتر و بیشتری دارد به کار می‌برند، است و به معنای «بیش از حد بارز بودن و نمایان بودن چیزی» است. عبارات قالبی شده «فاز دادن»، «تو رگ زدن» از جمله ساخت‌هایی است که با اختلاف امتیاز 28 در میان افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر در مقایسه با افراد با تحصیلات کارشناسی و بالاتر رتبه سوم و چهارم اختلاف میان این دو گروه تحصیلی را داراست. همانطور که از معنای آن‌ها بر می‌آید واضح این ساخت‌ها را باید افراد مبتلا به اعتیاد به یکی از مواد اعتیاد آور دانست. «فاز دادن» به معنی «القاء و بخشیدن احساس خوب» و «تو رگ زدن» به عمل تزریق اطلاق می‌شود و به صورت قالبی شده به معنای «خوردن» است و از آنجا که این قشر از جامعه دارای شأن و مرتبه بالای اجتماعی نیستند کاربرد عبارت مرسوم آن‌ها نیز در میان افراد تحصیلکرده و دارای شأن مناسب و قابل ملاحظه اجتماعی بسیار کمتر از گروه افراد با تحصیلات کمتر است.

از دیگر عبارات قالبی شده پر بسامد در میان گروه افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر می‌توان به «طرف پلاس شده» و «طرف شاسی بلنده» اشاره کرد که به ترتیب دارای اختلاف امتیاز 24 و 21 در مقایسه با گروه دیگر هستند. شایان ذکر است که از میان کاربردهای این دو ساخت، زنان به نسبت مردان کمتر از این دو ساخت بهره می‌گیرند. عبارت قالبی شده «طرف شاسی بلنده» بسط معنایی اصطلاح «شاسی بلنده» که برای اتومبیل به کار می‌رود به انسان است. شاسی به معنای «بدنه اصلی اتومبیل که سایر اجزا روی آن نصب می‌شوند» و در مورد اتومبیل

به کار می رود و ساخت قالبی «طرف شاسی بلند» بسط معنایی این مفهوم برای انسان است. این عبارت بیشتر در میان گروه تحصیلی دیپلم و کمتر به کار می رود و جالبتر آن که در میان مردان بیشتر از زنان کاربرد دارد که در وصف جنس زن و البته در موقعیت های دوستانه به کار می برند.

۵- نتیجه گیری

نتایج حاصل از این تحقیق انواع پاره گفت‌های قالبی شده را در نوع یا قالب ضرب المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی که در زبان فارسی ظاهر می شوند، می داند. به نظر می رسد نمی توان درباره تاثیر عوامل جامعه شناسی زبان در کاربرد ساخت‌های قالبی شده حکم کلی نمود، بلکه باید آنها را به زیر گروه‌هایی تقسیم کرد که در کاربرد برخی از آنها عوامل سه گانه سن، جنس و تحصیلات تاثیر زیادی دارند؛ مانند کاربرد بالای عبارات قالبی شده "توپ بودن"، "طرف پایه اس" در بین گروه سنی 20-35 سال، "چاکرتم"، "نوکرتم" در بین مردان، "آنتن بودن" در بین گروه با تحصیلات بالاتر و "فاز دادن" در بین افراد با تحصیلات کمتر، و در برخی از آنها تاثیری ندارند مانند "شاخ در آوردن"، "به روی چشم" در هر دو گروه سنی، "طرف سیب زمینی"، "چشم‌تون روشن" در بین مردان و زنان و "روده درازی کردن"، "طرف تنش می خاره" در بین دو گروه تحصیلی، و در برخی دیگر تا حدودی تاثیر دارند؛ مانند عبارات مقدماتی "شانه خالی کردن"، "حرفت بو داره" در دو گروه سنی، "طرف خر پوله"، "گیر سه پیچ دادن" در میان مردان و زنان و "به شکم صابون زدن"، "جار زدن" در دو گروه تحصیلی مورد بررسی است.

کتابنامه

- انوری، حسن. (1384). *فرهنگ امثال سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- (1385). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- (1383). *فرهنگ کنایات سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- باغینی پور، مجید. (1379). "گفتار قالبی و کاربرد خلاقانه آن". *مجله زبانشناسی*. سال پانزدهم. پاییز و زمستان. صص 45-57.
- جمالزاده، محمدعلی. (1382). *فرهنگ لغات عامیانه*. تهران: انتشارات سخن.
- حق شناس، ع. م سامعی، ح، انتخابی ن. (1383). *فرهنگ معاصر هزاره*. تهران: فرهنگ معاصر.
- روزی بیگدلی، زهرا. (1387). "بررسی جامعه شناختی الگوهای تفکر مدرن زنان"، *نشریه جامعه شناسی ایران*, <http://souologgofitan.com>
- معین، محمد. (1381). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نجفی، ابوالحسن. (1378). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- ورینتکوف، الکساندر. (1380). "برخی ساخت های نحوی قالبی شده در زبان فارسی". *ترجمه محسن شجاعی*. *مجله زبان شناسی*. سال شانزدهم. شماره اول. بهار و تابستان. صص 77-82.
- Cameron, D. Kulick, D. (2004). *Language and Sexuality*. Cambridge press. UK.
- Crystal, D. (1991). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Blackwell. UK.
- Goddard, A. Patterson, L. (2001). *Language and Gender*. Routledge, U. S. A.
- Holmes, J. (1999). *Women, Men and Politeness*. Longman. UK.
- Hornby, A. S. (2006). *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*. Oxford University Press. UK.
- Kramarae, C. (1981). *Women and Men Speaking*. Newberry house. UK.
- Laykaff, R. (1973). "The Logic of Politeness". In: Corum, C. , et al. , *Paprs forms the Ninth Regional Chicago Linguistics Society*. Chicago Linguistics Society, Chicago, IL, pp. 292-305
- Payton, C. (1989). *Language and Gender; Making the Difference*. Oxford Press. UK.
- Weatherall, A. (2002). *Gender, Language and Discourse*. Routledge. UK.
- Webster, M. (2003). *Collegiate Dictionary*. Spring field. USA.